

فاجعه‌ی تراکم جمعیت

سرلشکر ناصر فرید (بازنشسته)

□ درآمد

امروزه اکثر اهل نظر بر این نکته اتفاق دارند که سیاره‌ی زمین یک سفینه‌ی فضایی با ظرفیت و قدرت حمل محدود است و افزایش روزافزون جمعیت انسان‌ها در قرون اخیر آن را با بحرانی روبه‌رو ساخته است و مسائل عدیده‌ی چون، افزایش جمعیت، کاهش منابع طبیعی، تباهی طبیعت و آلودگی محیط زیست را بر سر راه تامین اجتماعی و رفاه عمومی قرار داده است.

زمین با لایه‌ی نازکی از ماده‌ی بی‌نام «اوزون» پوشیده شده است، در این لایه نوع بشر با گیاهان، حیوانات و ارگانیسم‌های بسیار هم‌زیستی دارد، امروزه به دلیل رشد نوع بشر و فعالیت‌های ناسنجیده‌ی آن، این پوشش ظریف در معرض خطر قرار گرفته است و عوارضی چون استفاده‌ی بی‌حساب از سوخت‌های فسیلی، وقوع پدیده‌ی گلخانه‌ی بی‌سبب نازک شدن لایه‌ی اوزن و گرم شدن کره‌ی زمین، نابودی جنگل‌ها و کاهش سفره‌های آب و آلودگی آن و ویرانی زیستگاه حیاتی آبزیان و تبعات هراس‌انگیز آن نه تنها ظرفیت تامین غذا را کاهش می‌دهد، بلکه با توجه به نقش تردیدناپذیر جمعیت در پدید آمدن این عوارض زیان‌بار بدون شک در معادلات هر کشور، مساله‌ی جمعیت از جمله عوامل تعیین کننده خواهد بود.

بدیهی‌ست جمعیت در هر کشور، بزرگ‌ترین ثروت و منبع قدرت سیاسی و اقتصادی می‌باشد. پیشرفت علمی، تکامل فنی و صنعتی هر جامعه به توانایی دانش، کوشش و خلاقیت اعضای آن ارتباط دارد و هر جامعه برای استفاده‌ی بهینه از توان جسمی، روحی و ذهنی جمعیت خود بایستی برنامه‌ی مدون و منطقی داشته باشد و تدوین چنین برنامه‌ی مستلزم اتخاذ نوعی (سیاست جمعیتی) است که به‌عنوان جزئی از برنامه‌ی ملی توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه تلقی می‌شود. به‌طور کلی ایجاد هماهنگی و تعادل بین نرخ رشد جمعیت با اهداف برنامه‌ی توسعه کشور باید به نحوی باشد که تعداد افراد آن از حد معینی که با منابع و امکانات کشور تطابق دارد، تجاوز نکند.

بدین لحاظ دستیابی به جمعیت با اندازه و نوع رشد متناسب با امکانات اقتصادی و ظرفیت کشور هدف عمده‌ی سیاست جمعیت است که بدون اتخاذ آن سیاست هیچ کشور در حال توسعه‌ی نمی‌تواند از عهده‌ی هزینه‌های لازم برای تامین شرایط آموزشی، بهداشتی و رفاهی برابر الگوی توسعه‌ی انسانی برآید.

بدین منظور، کنترل نرخ رشد جمعیت معمولاً به‌عنوان یکی از هدف‌های اصلی سیاست‌های جمعیتی مورد تاکید قرار گرفته است که «برنامه تنظیم خانواده» نامیده می‌شود که به مفهوم پویایی به حد متناسب آهنگ رشد جمعیت است، متعادل با منابع و امکانات اقتصادی و اجتماعی کشور.

تخصصی سازمان ملل متحد را به دیده‌ی تحقیق و تدقیق نگریسته و از نیات پنهانی و سلطه‌جویانه، شگردهای شیدانه گردانندگان این دکان‌های بیگانه آگاهی به‌دست می‌آوریم.

سازمان جهانی بهداشت

در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۳۶ سازمان جهانی بهداشت (موسسه‌ی تخصصی سازمان ملل متحد) با موافقت دولت ایران، مقادیر زیادی گرد د.د.ت (حشره‌کش قوی ساخت زمان جنگ) را به ایران فرستاد و برنامه‌ی ریشه‌کنی مالاریا را آغاز و به نتیجه‌ی مطلوب رسانید، به‌طوری که علاوه بر پشه‌ی مالاریا، حتا شیش و کک هم در اثر سم‌پاشی‌های د.د.ت از بین رفتند. در خلال این اعمال بهداشتی اقدام دیگری هم صورت می‌گرفت. آن این که مامورین فنی سم‌پاشی مبارزه با مالاریا زیر نظر اداره‌ی اصل چهار، حتا به یک دهکده‌ی مرزی دو خانواری هم که می‌رسیدند، ضمن عملیات سمپاشی، اطلاعاتی به شرح زیر از اهالی و ساکنان محل تهیه و به‌صورت پرسش‌نامه بر روی ورقه‌های بزرگ چاپی ثبت می‌کردند:

تعداد خانوار - عده‌ی زن و مرد - مشاغل و محصولات محلی (کشاورزی، دامداری، صنعتی) تامین آب از قنات یا نهر، چاه، مذهب، میزان سواد افراد، گویش محلی، فاصله‌ی محل از چهار جانب به آبادی‌های دیگر هم‌جوار، نام اقوام و عشایر و تیره‌های ساکن و مجاور، آداب و سنن قومی و عشیره‌ی، اختلافات قومی و مذهبی آنان با هم‌دیگر، مالکیت ارضی (اربابی، رعیتی)، بیماری‌های شایع محلی، راه‌های ارتباطی...

این اطلاعات کافی و شافی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از منطقه، ضمن گزارش‌های بهداشتی و کارهای انجام شده‌ی دیگر به اداره‌ی مرکزی اصل چهار در تهران ارسال می‌شد و مورد استفاده‌ی آرشو دولت امریکا قرار می‌گرفت که در اصل نوعی سوءاستفاده‌ی سیاسی و تحقیق و تجسس پنهانی بود. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- میرزا صالح، غلام‌حسین، اسناد رسمی روابط سیاسی ایران با انگلیس، روس و عثمانی، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۷.
- ۲- محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، شرکت اقبال و شرکا، تهران، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۴۰.
- ۳- طاهرزاده، میرزا علی‌اکبر، هوپ‌هوپ‌نامه، بدون نام ناشر، تبریز، بدون تاریخ، ص ۱۷۸-۱۷۹.
- ۴- الگود، سربل، تاریخ پزشکی ایران، ترجمه، دکتر باقر فرقانی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶، صص ۵۸۳ و ۵۸۱.
- ۵- اقبال لاهوری، محمد، کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، به‌اهتمام: احمد سرور، انتشارات کتابخانه‌ی سنایی، تهران، ۱۳۴۳، ص ۲۶۰.
- ۶- ناشر در پیشگفتار توضیح می‌دهد: «ابوطالب یزدی یکی از حجاج ایرانی بود که اندک زمانی پیش از نگارش این قطعه، از آن جهت که به سبب ازدحام حاجیان و آلودگی هوا و تنگی نفس و به‌هم خوردن حال در خانه کعبه استفراغ کرد، به شمشیر شخص ملک مسعود در کنار حجرالاسود گردن زده شد. بر سر قتل فجیع آن بی‌زبان به‌دست پادشاه حجاز، روابط سیاسی دولتین منقطع گردید».
- ۷- توالی، فریدون، التفاصیل، شیراز، کانون تربیت، ۱۳۴۸، صص ۳۵۴-۳۴۶.

اشاره: طرح‌های متن این مقاله از: داود شهیدی

بحث جمعیت در ایران

۱- با این که در سال های اخیر کوشش های فراوانی در زمینه ی شناخت مساله ی جمعیت در جهان به عمل آمده است. ولی در ایران مطالعه ی همه جانبه ی جمعیت در رابطه با عوامل جغرافیایی حاکم بر آن، ناهماهنگی های موجود میان عوامل انسانی و منابع طبیعی، نقص کارایی سرشماری هایی مستمر و نوپایی علم جمعیت شناسی، امر تحقیق در مقوله رامشکل ساخته است و در طول تاریخ برآورد جمعیت همواره به صورت تخمین مسولین ولایات و ایالات کشور بوده است، حتی در دوران رضاشاه که ایران به سوی پیشرفت نسبی گام برمی داشت، مسولین در ظرف ۱۶ سلطنت ایشان نتوانستند ترتیب یک سرشماری کامل را در سطح کشور برقرار سازند.

۲- در رژیم محمدرضاشاه پهلوی از سال ۱۳۴۶ خورشیدی که نخستین دوره ی کنترل موالید در کشور به اجرا درآمد و معاونتی تحت عنوان بهداشت و تنظیم خانواده در وزارت بهداشت ایجاد شد، برای نخستین بار دولت رسماً دخالت در امر تنظیم خانواده را با هدف تعدیل میزان رشد جمعیت شروع نمود، به نحوی که در فاصله ی سال های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ خورشیدی میزان موالید در ایران بالغ بر ۴۲ هزار کاهش یافت، در آن زمان، شاه ایران در مصاحبه یی اعلام داشت، در صورتی که جمعیت کشور به مرز احتمالی حدود ۴۵ میلیون برسد، کشور ایران با کمبود محصولات و ذخائر کشاورزی روبه رو خواهد شد و سطح تولیدات هماهنگ اش را با افزایش جمعیت از دست می دهد.

۳- با پدیده ی انقلاب بهمین ۱۳۵۷، سیاست های کنترل موالید متوقف شد و با طرح نظریه ی طرفداری از افزایش جمعیت، در سال های بالا ۱۳۸۰ مختصات جمعیت کشور به صورت تقریبی زیر درآمد:

الف- جمعیت با میزان

۶۴۰۱۸۹۲۴ میلیون نفر، هفدهمین کشور پُرجمعیت جهان گردیده است.

ب- میانگین سن مردم کشور حدود ۲۲/۵ سال می باشد.

ج- درآمد ناخالص تولیدی حدود ۳۴۷ میلیارد دلار درآمد ناخالص در سطح جهان در رده دهم قرار گرفته است.

د- درآمد سرانه در حدود ۵۳۰۰ دلار در ردیف شصت و هشتمین کشور جهان قرار دارد.

و- تورم سالیانه نزدیک به ۳۰ درصد در ردیف بیستیمین کشور جهان از لحاظ نرم تورم بالا می باشد.

اگر از تاریخ شروع انقلاب سازمان بهداشت و تنظیم خانواده در وزارت بهداشتی دنبال می گردید، شاید در حال حاضر مشکلی به نام ازدیاد خارج از قواره ی جمعیت در کشور به صورت زیرین وجود نداشت: کمبود محصولات کشاورزی، گسترش فقر و مسکن ناکافی، کاهش درآمد سرانه و ضعف قدرت خرید، معضل اشتغال و بحران شدید بیکاری، نارسایی در کمیت و کیفیت بهداشت عمومی، فرار بهترین مغزهای کشور، واردات بی سابقه ی کالاهای کشاورزی، نقص امکانات مستمر آموزش و پرورش، بحران کمبود آب، رواج مواد مخدر، شیوع پاره یی مفاسد، عدم تعادل اجتماعی با معیارهای اقتصادی ...

بدین سبب کشور جنگ دیده و ملت ستم کشیده ی ما که با هزاران مشکل بزرگ و کوچک دیگر روبه روست، مشکل جمعیت نیز یکی از اساسی ترین آنان می باشد و اگر سیاست های کنترل موالید به گونه یی دنبال نشود با در نظر گرفتن فرضیات پیش بینی می شود، جمعیت ایران تا ۱۴۰۰ شمسی به حدود یکصد میلیون نفر برسد.

لذا نادیده گرفتن نرخ رشد جمعیت منجر به ناکامی و شکست کل برنامه ی توسعه کاهش درآمد سرانه و فقر بیش تر طبقات میانه و پایین می گردد و اگر روزی این نارسایی ادامه یابد به قول حافظ: مایه ی نقد بقا را که ضمان خواهد شد؟ ■

دادگستری در جامعه ی اسلامی

دکتر سیدجمال سجادی

(معلم بازنشسته) - نوشهر

از آن جا که مطبوعات در هر نظام مردمی بازگوکننده ی نظریات، اندیشه ها و درددل های مردم بویژه ضعیفان و فرودستان است، استدعا دارم مختصر زیرا را که می تواند نشان دهنده ی احوال هزاران متظلم چون من باشد که دستمان به جایی نمی رسد، در آن جریده ی شریفه درج فرمایند، آن هم از قول این معلم بازنشسته ی هشتاد ساله.

در تواریخ خوانده ایم که پس از جنگ جمل مولای متقیان حضرت علی علیه السلام به عنوان خلیفه ی اسلام در صفا، مسجد کوفه جلوس فرمودند. پیرامونیان آن حضرت گفتند: در کوفه دارالحکومه هست، به آن جا تشریف ببرید. در پاسخ فرمودند: این جا می نشینم تا همگان به من دسترسی داشته باشند و هیچ مظلومی برای دادخواهی با دشواری و مانع روبه رو نشود.

چندی پیش برای دادخواهی به دادگستری چالوس رفتم. درون اتاق دژبانی که در مدخل حیاط دادگستری تعبیه شده بود، سه جوان یونیفورم پوش در حالی که جیب ها و لباس واردین را بازرسی می کردند، راه بر من بستند، آن چه التماس و استدلال کردم که برای عرض حالی آمده ام، موثر نیفتاد و گفتند باید احضاریه یا اخطاریه یی در دست داشته باشید و سرانجام با سخنان و رفتاری نه چندان مودبانه مرا مجبور به خروج از اتاق خود کردند.

آقای رییس دادگستری و هر مقام قضایی دیگر باید بدانند که اگر مدعی حکومت اسلامی و حاکمیت عدل علی (ع) هستند، راه همان است که مولا در مسجد کوفه ترسیم فرمودند و راهی که شما در پیش گرفته اید البته به سوی ترکستان است و بس، چنان که سعدی فرمود:

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی
کاین ره که تو می روی به ترکستان است